



نویسنده: رب یوری «Rob Urie»

منبع و تاریخ نشر: کونترپانچ «2023-08-04».

برگردان: پوهندوی دوکتور سیدجسام «مل» .

فاشیسم پاسخ غربی ها به مبارزه طبقاتی است

Fascism is the Western Answer to Class Struggle

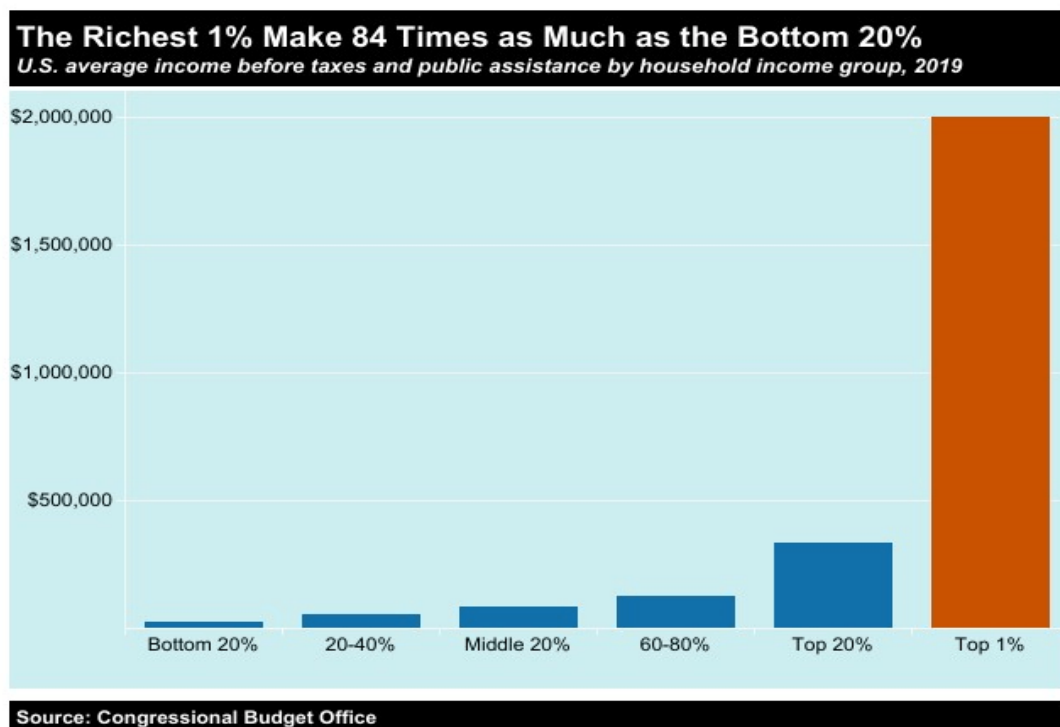


عکس از Kayle Kaupanger

برای لحظه ای با کنار گذاشتن خصومت های ناشی از جنگ های فرهنگی آنطوریکه اگر جهت گیری سیاست را در ایالات متحده در نظر بگیریم و تا جاییکه هم اگر انجام این کار از نظر روانی و یا - اقتصادی برای رزمندگان از خود گذر و فداکار بخش فرهنگی امکان پذیر باشد. افشاگری های اخیر نشان داد که اف بی آی «FBI» و سیا «CIA» از جمله شرکت کنندگان فعال در سال (2016) بودند که انتخابات سراسری سال «2020» به یک تاریخ طولانی تبدیل میشود؛ در حالیکه دموکراسی آمریکایی همیشه ضعیف و انتزاعی «بگونه یک نمونه معمولی و پیش پا افتاده» بوده است؛ اما اکنون ایالات متحده به ادغام بین دولت قبل و جنگ با در نظر داشت کسب منافع تجاری بازگشته است؛ یا به عباره دیگر بخاطر دریافت منافع اش از راه گسترش تجارت بین دولت و جنگ توامیت و یا ادغام را بوجود می آورد یعنی که سیستم موجود سیاسی آمریکا به آنچه که مارکسیزم

ولینینیزم از دولت سرمایه داری تعریف بعمل آورده بود کاملاً درست است یعنی که نظریه آنها با توصیف از دولت سرمایه داری وفق میکند .

یعنی که این دولت چگونه برای مردم اش کار میکند؟ خوب ؛ البته برای کدام مردم؟ همه میدانیم که ایالات متحده آمریکا با ضریب «10» یعنی که تمویل ویا تخصیصه ویا بودجه نظامی آمریکا نسبت به بودجه نظامی ده کشور دیگر بیشتر است ؛ بزرگترین بودجه نظامی در جهان را دارد ؛ اما با این وجود باز هم قادر به تولید سلاح وگلوله های دلخواه و قابل استفاده اش نیست (یعنی که برتری تسلیحاتی نسبت به رقیب جهانی خود ندارد) . از سوی هم ایالات متحده بیشتر از آنچه که دیگرکشورها برای اتباع خوددر بخش صحت هزینه می نمایند این آمریکا است که چندین برابر آن کشورهای ثروتمند در این بخش هزینه میکند اما با وجود آنهم میزان مرگ و میر اتباع خود را کاهش داده نمیتواند که البته برای نسل جوان این کشور قابل تشویش است ؛ شما میتواند به دقت متوجه گراف ذیل شوید! .



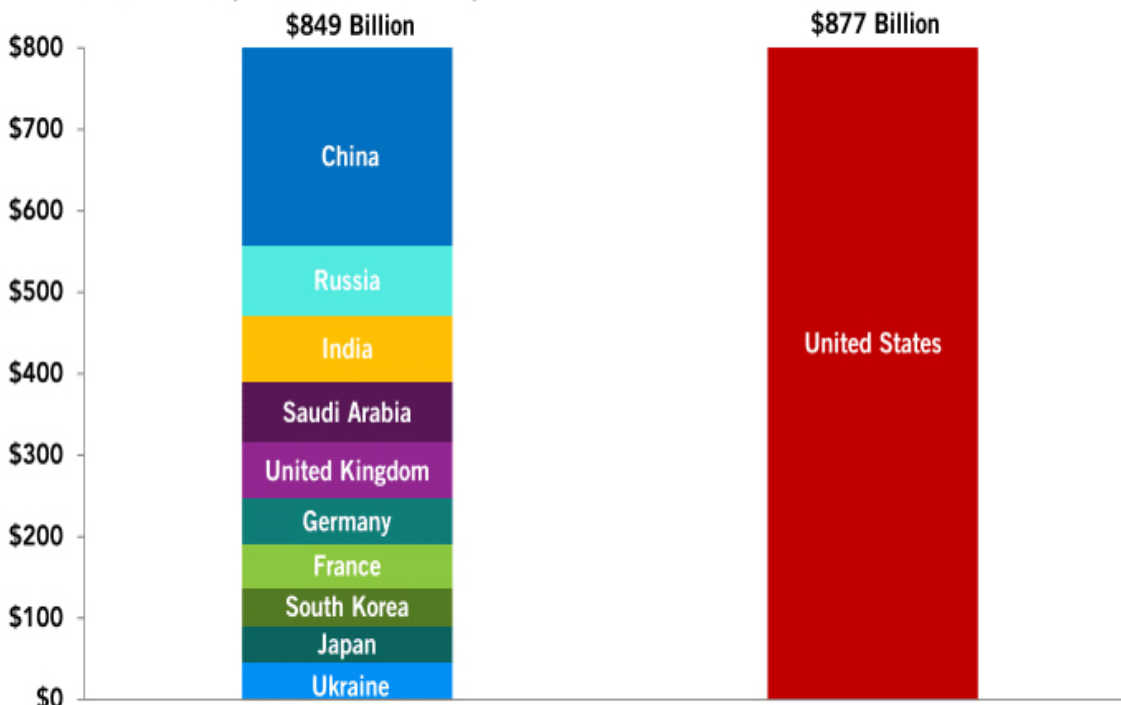
انچه که فکر میشود این خود فعالیت متمر یک جامعه فعال را که برای تمام افراد جامعه تسهیلاتی را تا مین کند نشان نمیدهد ؛ یعنی که این جامعه در ظاهر پرزروبرق برای همه افراد جامعه کارآمد وپذیرا نیست . پایان توافق بین سرمایه ودولت به نسبت چشم پوشی از قیمت گذاری غارتگرانه ناشی از سیاست با زار آزاد «طمع ورزی» بر مواد غذایی وبرسا بر نیازمندیهای افراد جامعه نا امنی غذایی را برای بخش وسیعی از باشندگان غرب افزایش میدهد وتا هنوز در حال افزایش نوسانی اش است ؛ یعنی که اکثریت باشندگان غرب از نا امنی مواد غذایی رنج می برند ؛ چونکه قیمت های مواد ضروری اولیه با سپری شدن هر روز در مارکیت صعود میکند واز سوی دیگر با تعقیب سیاست احتمالی جنگ هسته ای با روسیه (روسیه ای که برای اروپا به قیمت نازل انرژی ومواد غذایی تا مین

می‌کرد) بار دیگر این قیمت‌ها صعود خواهد کرد. و بالای زندگی افراد مسکون در کشورهای غرب تا ثیر سو خواهد کرد.



The United States spends more on defense than the next 10 countries combined

DEFENSE SPENDING (BILLIONS OF DOLLARS)



SOURCE: Stockholm International Peace Research Institute, SIPRI Military Expenditure Database, April 2023.

NOTES: Figures are in U.S. dollars converted from local currencies using market exchange rates. Data for the United States are for fiscal year 2022, which ran from October 1, 2021 through September 30, 2022. Data for the other countries are for calendar year 2022. The source for this chart uses a definition of defense spending that is more broad than budget function 050 and defense discretionary spending.

© 2023 Peter G. Peterson Foundation

PGPF.ORG

تناسب بودجه نظامی ایالات متحده با هزینه نظامی کشورهای دیگر را بوضوح در گراف بالا ملاحظه کنید

گراف: طوریکه نابرابری اخیر را بوضوح نشان می‌دهد؛ ویاکه در خور توجه قرار می‌دهد؛ اکثر آمریکایی‌ها تصور می‌کنند که همسایه «ثروتمند» شان در خیابان است که تازه یک ماشین جدید خریده است؛ در واقع تمرکز بر درآمد در ایالات متحده آمریکا در این سالهای اخیر فراتر از تصور اکثر آمریکایی‌ها است؛ این گراف حالت کلی را نشان می‌دهد که «یک در صد» ثروتمندترین حقوق‌بگیران آمریکایی «84» برابر حقوق فقیرترین‌ها را دریافت می‌کنند یعنی از نظر به اصطلاح «دموکراسی دالری» این بدان معنی است که ثروتمندان آمریکا «84» برابر نسبت به فقیرها از نظر دموکراسی دالری نفوذ سیاسی دارند (منبع سازمان نابرابری = inequality.org).

برای مقاصد تحلیلی - مجدداً یا دوباره با توجه به نقطه‌های آتش سوزی در جنگ فرهنگی، **جو بایدن**، رئیس‌جمهور کنونی ایالات متحده، مدافع برجسته لیبرال جنگ «محافظه کارانه» جورج دبلیو بوش برای تصاحب منابع در عراق بود؛ نقطه اصلی یا مرکزی فروش ویا معامله ای آقای **بایدن** برای آن جنگ، موضوع سلاح‌های کشتار جمعی عراق، چیزی ساختگی بود شاید که این ساختگی آقای بوش با شد، اما بایدن فراتر از جنگ افروزی معمولی دو حزبی برای فروش جنگ آمریکا علیه عراق رفت. که این احتمالاً بر «دخالت FBI / CIA» در انتخابات ایالات متحده به نفع دولت دموکرات‌ها و امنیت ملی تأثیر دارد؛ باید گفت که از ایجاد و تاسیس کنگره که چندین قرن (پنج دهه) می‌گذرد از زمانی که بایدن عضو این کنگره شده است، او یکی از حامیان ثابت امپراتوری آمریکا بوده است.

دوتایی‌های مورد استفاده در گفتمان سیاسی آمریکا حاکی از توزیع دیدگاه‌های سیاسی است که متقابلاً منحصر به فرد هستند. دموکرات‌ها در مقابل جمهوری خواهان یکی از این دوگانه‌ها است. چپ در مقابل راست چیز دیگری است. نژادپرستی در مقابل ضد نژادپرستی یکی دیگر از این موارد است. فاشیست در مقابل ضد فاشیست یک چیز دیگر است. از نظر تحلیلی، این برای تحمیل تقسیمات نظری به جامعه آمریکا است، نه برای "گزارش" آنها. فرض بر این است که آنها انگیزه‌های ایدئولوژیکی را توصیف می‌کنند که "ما" را به عمل سوق می‌دهد. اما این دوتایی‌ها انگیزه‌های اقتصادی، محدودیت‌های آنچه «ما» می‌دانیم، و نقطه‌ای که در آن تاریخ ما وجود داریم، ما را کجا باقی می‌گذارند؟

برای پایین آوردن این موضوع، تمایز عملی در قرن بیستم بین جنبش‌های سیاسی بود که بر اساس مرزهای ملی تعریف می‌شدند، نه باورهای فردی. این رقابت امپریالیستی چپ - منابع جهانی برای عرضه صنعتی شدن رو به رشد، به عنوان منبع رقابت ملی، به چنگ می‌آید. مثل الان، این حس القا شد که اولین کشوری که نهاده‌های صنعتی جهانی را کنترل کند، جهان را کنترل خواهد کرد. صنعتی شدن مسیر درک شده برای سلطه جهانی از طریق تولید نظامی بود. دایره منطقی - تولید نظامی برای دامن زدن به امپریالیسم لازم است زیرا امپریالیسم برای دامن زدن به تولید نظامی لازم است، که ایجاد شد.

اما این فرمول ناقص است. جنگ‌های مبتنی بر رقابت ملی زمانی پایان می‌یابد که یک ملت یا گروهی از ملت‌ها در برابر یک قدرت خارجی تسلیم شوند. جنگ‌های مبتنی بر رقابت ایدئولوژیکی تنها زمانی پایان می‌یابد که یک ایدئولوژی پایان یابد (مثل هرگز). این ناهماهنگی منجر به رویه جنگ سرد در ایالات متحده از اقتدارگرایی ضد استبداد شد، استفاده از تکنیک‌های استبداد برای درهم شکستن استبداد در خارج، که فقط «در داخل» انجام شد. اما البته، استفاده از تکنیک‌های استبدادی بنا به تعریف اقتدارگرایی است. در

زمان حال که سیاستمداران از تبلیغات و سانسور برای درهم شکستن دیدگاه هایی که از نظر سیاسی ناخوشایند هستند، استفاده می کنند، همین امر صادق است .

سیاست آمریکا مدت ها است بر این تصور که این همکاری طبقاتی از طریق «منافع ملی» از شکاف های طبقاتی ایجاد شده از طریق استثماری سرمایه داری جلوگیری می کند . **جف بزوس** و **بیل گیتس** ممکن است که ثروت "خود" را از طریق قراردادهای فدرال، استثماری نیروی کار و امتیازات قانونی که از دیگران سلب شده اند به دست آورده باشند، اما زمانی که ایالات متحده در سال 2003 به عراق حمله کرد ، "ما" در آمریکایی بودن خود متحد بودیم، که منطقی است . هرگز به اورول توجه نکنید که «همه حیوانات برابرند، اما برخی از حیوانات برابرتر از دیگران هستند.» از طریق نفتا، دولت آمریکا به **بزوس** و **گیتس** کمک کرد تا دستمزد کارگران «خود» را کاهش دهند .

در بیشترین قسمت تاریخ ایالات متحده، ثروتمند ساختن چند نفر و سپس حفظ آن ثروت، بر تأمین دستمزد معیشتی برای کارگران اولویت داشته است . از برده داری تا **جو بایدن** که اعتصاب راه آهن را سرکوب کرد پس از انکار وعده اش مبنی بر افزایش حداقل دستمزد، «دیدگاه» آمریکا همیشه فهرست آرزوهای الیگارشی ها بوده است یا این حال، اینکه این سوگیری با رضایت حاکمیتی همراه است، صحت ندارد به تعبیر **توماس فرانک**، نویسنده سیاسی، «هر جنگ فرهنگی در تاریخ اخیر یک جنگ طبقه پنهانی بوده است.» اگر طبقات سیاسی و الیگارشی در همان کشوری زندگی می کردند که بقیه ما زندگی می کنیم، این را می دانستند . اما شکاف طبقاتی تجربه «آمریکایی» را تعریف می کند . کلاس متفاوت به معنای تجربه متفاوت است .

گفتمان عمومی در ایالات متحده در سال های اخیر در مورد یک سیستم سیاسی نسبتاً با ثبات بوده است که در راس روابط اقتصادی متغیر قرار دارد . این ثبات در چشم لیبرال های شهری زمانی ثابت شد که **جو بایدن** در انتخابات ریاست جمهوری 2020 به دنبال آشفتگی های ساختگی سال های **ترامپ** پیروز شد . از این تحلیل تا به امروز ، تأثیر تغییر روابط اقتصادی بر ثبات نظام سیاسی وجود ندارد . تغییر از **نیو دیل** به **نئولیبرالیسم** در دهه 1970 فقط بر روابط اقتصادی تأثیر نداشت . منطق یک قلمرو عمومی را با حمایت عمومی از تولید اقتصادی «خصوصی» جایگزین کرد .

Highlights

- Health care spending, both per person and as a share of GDP, continues to be far higher in the United States than in other high-income countries. Yet the U.S. is the only country that doesn't have universal health coverage.
- The U.S. has the lowest life expectancy at birth, the highest death rates for avoidable or treatable conditions, the highest maternal and infant mortality, and among the highest suicide rates.
- The U.S. has the highest rate of people with multiple chronic conditions and an obesity rate nearly twice the OECD average.
- Americans see physicians less often than people in most other countries and have among the lowest rate of practicing physicians and hospital beds per 1,000 population.
- Screening rates for breast and colorectal cancer and vaccination for flu in the U.S. are among the highest, but COVID-19 vaccination trails many nations.

برجسته ساختن :

- * هزینه های مراقبت های بهداشتی هم به صورت فردی و هم به عنوان سهم از تولید ناخالص داخلی در ایالات متحده بیشتر از سایر کشورهای با اقتصاد بالا است با این حال همچنان ایالات متحده تنها کشوری است که پوشش بهداشتی جهانی ندارد
- * ایالات متحده دارای کمترین امید به زندگی در بدو تولد، بالاترین میزان مرگ و میر برای شرایط قابل اجتناب یا درمان، بالاترین مرگ و میر مادران و نوزادان و در میان بال تراست .
- * ایالات متحده بالاترین نرخ افراد مبتلا به بیماری های مزمن متعدد و نرخ چاقی تقریباً دو برابر میانگین OECD را دارد
- * آمریکایی ها کمتر از مردم سایر کشورها به پزشک مراجعه می کنند و کمترین میزان پزشکان شاغل و تخت های بیمارستانی را در هر 1000 نفر دارند .
- * میزان مبتلایان سرطان سینه و کولورکتال و واکسینا سیون آنفولانزا در ایالات متحده از بالاترین ها هستند، اما واکسینا سیون COVID-19 بسیاری از کشورها را دنبال می کند .

نمودار یا جدول فوق: با دنبال عملکرد تأثیر مراقبت های بهداشتی (ACA قانون مراقبت مقرون به صرفه)، Obamacare، از زمانی که این برنامه برای اولین بار معرفی شد، گزارش ها از حدس و گمان - بر اساس مزایای تصویری مراقبت های بهداشتی ناشی از گسترش بیمه، به ناپاوری مبهور کننده مبنی بر اینکه هر سیستم مراقبت های بهداشتی می تواند چنین پیامدهای بی امان بدی را ایجاد کند صندوق مشترک المنافع (بالا) جالب است زیرا لیز فاولر، لابی گر بیمه سلامت که ACA را نوشته بود، به کار گرفته بود. تکامل پوشش آن از ناامیدی آرام به وحشت مطلق در مورد اینکه چقدر برنامه واقعاً انجام داده است تغییر کرده است به عنوان یک امتیاز، منطق نئولیبرالی آن اکنون مراقبت های طبی برای طرق بولی تناسلی استفاده می شود منبع: صندوق مشترک المنافع

سرمایه :

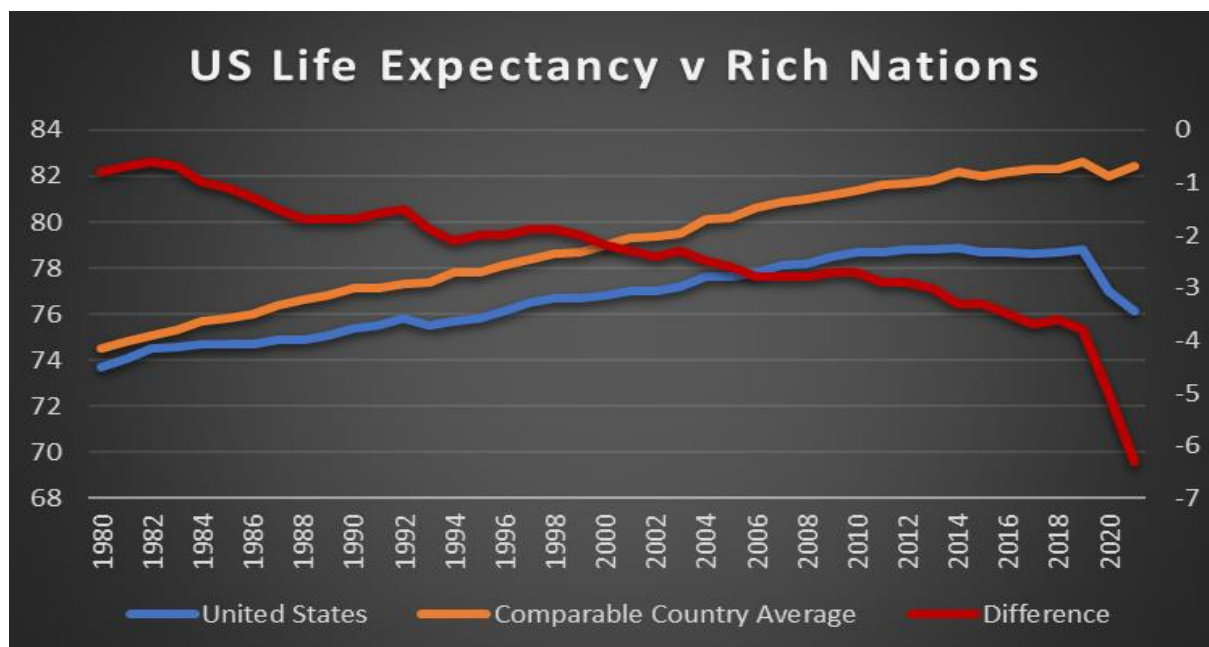
این تفاوت اساسی است **نیو دیل** برنامه هایی را برای بهبود تمایل سرمایه داری به تولید مشاغل بسیار کم، کالاهای عمومی ناکافی و ایجاد قدرت در بازار را برای سرمایه داران متصل به نمایش گذاشت. تصور آن از قلمرو عمومی در تنش اجتماعی بین منافع دولتی و «خصوصی» مطرح شد. در این فرمول، دولت تأمین کالاهای عمومی مانند دفاع ملی، آموزش و مراقبت های بهداشتی را در برابر تمایلات رانت جویانه منافع خصوصی متعادل می کرد .

به گونه ای که از نظر مفهومی مشا به با این اره است که علم برای تجزیه و تحلیل همه چیز به جز آنچه در زندگی مهم است خوب است ، «کالاهای عمومی» گمشده از

تولید سرمایه داری پرشش از هدف «اقتصاد» را مطرح می کند . این است که در حالی که سرمایه داری می تواند گهگاه چیزی را تولید کند که برخی از مردم می خواهند، اما از تولید آنچه همه مردم به آن نیاز دارند ناتوان است . از قضا، پرداخت پول دولت فدرال به سرمایه داران برای تولید کالاهای «عمومی» ، آنها را به کالاهای خصوصی تبدیل می کند . شکست های سریالی آنها به عنوان "کالاهای عمومی" این نکته را نشان می دهد (نمودار بالا) .

چرخش نئولیبرالی به مفهوم قلمرو عمومی از طریق ارائه خصوصی همه کالاها و خدمات پایان داد . با توجه به فانتزی اقتصاددانان مبنی بر اینکه تولید سرمایه داری کارآمد است، کارایی تولید محلی برتر از تولید عمومی کالاهای عمومی تصور می شد . به عبارت دیگر، در حالی که دولت ممکن است دیگر دفاع ملی، آموزش یا مراقبت های بهداشتی را تولید نکند، سود اضافی که توسط تولیدکنندگان خصوصی برای تولید آنها به دست می آید، می تواند در تئوری برای تولید بیشتر کالاهای عمومی اعمال شود . اما آنها هرگز نیستند .

اگر این «اقتصاد» همچو بگونه یک مسخره بدبینانه خوانده شود، ممکن است درگیر چیزی شده باشید . حقایق در ایالات متحده در سال 2023 مربوط به پیمانکاران نظامی خصوصی است که سیاست خارجی ایالات متحده را تنظیم می کنند، یک سیستم آموزشی که برای کسب سود خصوصی برای آموزش استخدام در مدارس تجاری راه اندازی شده است، و یک سیستم مراقبت بهداشتی که بدترین سیستم در جهان "توسعه یافته" است . با توجه به رویه سرمایه داری آمریکا در انجام بازی های قانونی مانند کلاهبرداری حق ثبت اختراع زمانی که انجام این کار سود بیشتری نسبت به تولید کالاها و خدمات باکیفیت دارد، چرا معماران سیستم مراقبت های بهداشتی و تولیدات نظامی ایالات متحده انتظار بازی مشابهی از آنها نداشته باشند؟



نمودار: بر اساس نمودار یا گراف کشورهای مشترک المنافع بالا، مرگ و میر کودکان و مادران، خشونت با اسلحه، خودکشی، و تأثیر سیستم غذایی صنعتی بر سلامتی، اکنون که در آمریکا انباشته شده است روند را تاجای کشانده است تا اینکه آمریکایی ها 6.2 سال کمتر از شهروندان کشورهای فعال دیگر زندگی کنند. این تقریباً کاهش امید به زندگی است که در خلال فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی اتفاق افتاد. در آن زمان، آن را یکی از بزرگترین تراژدی های تاریخ بشری دانستند. لیبرال های آمریکایی **جو بایدن** را انتخاب کردند تا یک تریلیون دلار دیگر در آن سرمایه گذاری کنند. این نسل کشی است منبع: OECD (سازمان همکاری اقتصادی و توسعه) بانک جهانی.

باز هم، در حالی که تولید ناخالص داخلی (تولید ناخالص داخلی) $PxQ =$ قیمت و $Q =$ کمیت را اندازه می گیرد، هزینه های اجتماعی تولید، کیفیت آنچه تولید می شود، یا مطلوبیت اجتماعی (یا فقدان آن) را اندازه گیری نمی کند. برگرفته از آن از این نظر، «اقتصاد» می تواند رشد کند در حالی که شرایط اقتصادی اکثر افرادی که در آن زندگی می کنند رو به افول است. این منجر به ادعاهای سریالی شده است مبنی بر اینکه ناکارآمدی سیاسی نتیجه احمق بودن «آدم های کوچک» است که نمی دانند چقدر خوب هستند. این شعار لیبرال علیه چپ آمریکا در دهه های { 1960 و 1970 } و همچنین اتهام ضمنی چپ علیه حامیان **دونالد ترامپ** از سال 2016 به بعد بود.

در نظر بگیرید، رکود بزرگ، خیالی نبود که توسط ناراضا یی های راست گرایان تصور می شد. از دهه 1970، الیگارشی های آمریکایی به همراه همبازی های خود در طبقه سیاسی برای خلق دنیایی که توسط راست گرایان **ریگان** تصور می شد، کار کردند تا سال 2016 وال استریت مقررات زدایی شده بود، مراقبت های بهداشتی «خصوصی» با هزینه های عمومی تأمین می شد، و آموزش «عمومی» با منابع خصوصی به کودکان آموزش می داد که بنشینند، ببندند و آنچه را که به آنها گفته می شود به نفع کارفرمایان آینده شان انجام دهند. به عبارت دیگر، یک مبنای مادی برای ناراضایتی گسترده وجود دارد.

برخلاف خیال پردازی های اقتصاددانان، معماران **نیو دیل** سرمایه داری را درک کردند. **نیو دیل** مبتنی بر دانش بود که سرمایه داری چه کارهایی را خوب انجام می دهد و چه کارهایی را خوب انجام نمی دهد. در مقابل، چرخش نئولیبرالی بر اساس تاریخ فراموش شده رکود بزرگ بود. به عبارت دیگر، نئولیبرالیسم فراموش می کند/هد فمند است یا نه، چرا سرمایه داری بدون دلایل اجتماعی، مانند برنامه های فدرال، کالاهای عمومی تولید نمی کند. در این معنا، نئولیبرالیسم حذف یک هدف عمومی برای سود بردن با زیگران خصوصی است.

من اخیراً با یک تحلیلگر سابق برای یک آژانس بزرگ و شناخته شده دولت فدرال صحبت کردم که در پروژه ای برای «عقلانی کردن» هزینه های دفاعی فدرال در راستای خطوط نئولیبرالی شرکت کرده بود. با این حال، او نمی دانست که این پروژه، آنطور که

تصور می‌شد، نئولیبرال است. هدف این بود که دولت به اندازه بخش خصوصی «کارآمد» شود. در تجزیه و تحلیل این نکته وجود نداشت که نقطه مرکزی هزینه های دفاعی فدرال پس از جنگ جهانی دوم، به کارگیری افراد زیادی در صنایع پایدار با دستمزدهای مناسب بود. این نبود که پیمانکاران دفاعی را به الیگارشسی در هزینه عمومی تبدیل کنند.

در آن روز، مزایای اشتغال ناشی از هزینه های دفاعی فدرال به خوبی درک شده بود. هیچ شرکت سرمایه داری منفعت مستقیمی در تأمین دفاع ملی نداشت، بنابراین تئوری چنین می‌گوید که «ما، مانند مردم، باید به طور جمعی آن را تأمین مالی کنیم.» در نتیجه، بین پایان جنگ جهانی دوم و امروز، امپریالیسم آمریکا - از تجارت کروگمانی تا تسلیح اوکراین برای مبارزه با روسیه، از پول عمومی تأمین شده است. علاوه بر این، آمریکایی ها برای تولید مهمات و مواد مورد استفاده برای نابودی کره، ویتنام، لائوس، کامبوج، نیکاراگوئه، السالوادور، عراق، افغانستان، لیبی، سوریه، یمن و غیره به کار گرفته شدند.

برخی از خوانندگان ممکن است به یاد بیاورند که این حمله سهام خصوصی به مخارج دفاع ملی بود که رئیس جمهور سابق ایالات متحده **جورج اچ دبلیو بوش** در دیدار با **خانواده بن لادن** در واشنگتن دی سی در 11 سپتامبر 2001. خرید و کنترل زیرساخت های دفاع ملی توسط سهام خصوصی منطق MIC را از تولید شبه دولتی کالاهای عمومی به تولید خصوصی تغییر داد. اسماً کالاهای عمومی توسط شرکت های رانت جو جنبه اشتغال تولید عمومی کالاهای عمومی به نفع سود خصوصی کنار گذاشته شد.

اکنون سوال تریلیون دلاری در میان است: یعنی با توجه به اینکه ایالات متحده سالانه بیشتر از مجموع ده کشور که از آنها فوقاً نام بردیم برای ارتش خود هزینه می کند (نمودار بالا)، پس اکنون با این بودجه هنگفت نظامی خود باز هم چرا در جنگ نیابتی خود (ایالات متحده) تسلیحات و مواد لازم برای اوکراین نمیتواند تدارک نماید و یا سلاح ها و مهمات نظامی اش تمام شده است. ویاکه نمیتواند روسیه را ورشکست کند؟ برای روشن بودن موضوع، هیچ پیشنهادی در اینجا وجود ندارد که انجام این کار یک هدف ستودنی یا یک سیاست عمومی خوب باشد. اما با این حال، اگر روسیه می تواند ارتش خود را با هشت سنت / دلار نسبت به ایالات متحده تأمین مالی کند و همچنان ارتشی را در اوکراین مستقر کند، چرا ایالات متحده با توجه به هزینه های نظامی خود، اسلحه و موادی را برای فروش به اوکراین در قایق ها با ر نمی کند؟

سوال مشابیهی با صنعت مراقبت های بهداشتی آمریکا مواجه است. ایالات متحده نسبت به سایر کشورهای «ثروتمند» به ازای هر نفر برای مراقبت های بهداشتی بسیار بیشتری هزینه می کند، و در عین حال بدترین نتایج مراقبت های بهداشتی را در میان آنها دارد (نمودار، نمودار، بالا). بدون احتساب جوایز و گزینه های سهام، «صنعت» مراقبت های بهداشتی دارای بالاترین دستمزد کارگران در ایالات متحده است که بدترین نتایج را

در جهان توسعه یافته دارند. مانند صنعت دفاعی، سرمایه داران هدف عمومی نظام مراقبت‌های بهداشتی را بر سر آن تغییر دادند. هدف اکنون استخراج حداکثر پرداخت‌های عمومی و ارائه حداقل کالاها و خدمات در ازای آن است.

با توجه به هر دو «صنعت»، لیبرال‌های آمریکایی همچنان پرداخت‌های عمومی را با منافع خصوصی با یک هدف عمومی ترکیب می‌کنند. هنگامی که دولت فدرال قلم و کاغذ می‌خرد، چنین سردرگمی وجود ندارد. هدف روشن است: حمایت از سود خصوصی از طریق قرارداد با شرکت‌های خصوصی برای تولید خودکار و کاغذ. دولت فدرال می‌تواند یک موسسه فدرال برای تولید اینها ایجاد کند. یا می‌تواند به پیمانکاران «خصوصی»، همانطور که در قراردادهای فدرال به اضافه هزینه متداول است، برای پرداخت دستمزدهای بالاتر به کارگران، هزینه اضافی بپردازد. اما انجام این کار با منطق نئولیبرالی عقلانی سازی اقتصادی مقابله می‌کند.

با آمریکایی بودن، با اینترنت که اکنون آشکارا توسط FBI و "CIA مدیریت" می‌شود، یا فتن تاریخ واقعی دشوارتر می‌شود مگر اینکه از قبل بدانید که در کجا باید آن را جستجو کنید. در این راستا، کتاب کلاسیک ماتریالیستی **دانیل گورین** در سال 1939 با عنوان «فاشیسم و تجارت بزرگ» توضیحات مفصلی از محرک‌های اقتصادی ظهور فاشیسم اروپایی ارائه می‌دهد.

برای حفظ تعلیق، این جزئیات به طرز وحشتناکی یادآور ایالات متحده در دهه‌های اخیر هستند. نه، این برای با زبینی فانتزی لیبرال **ترامپ** = **هیتر** نیست. تاریخ از این جالب‌تر است. پیوند بین آن زمان و اکنون را می‌توان در مقتضیات سرمایه داری یافت که **گورین** به تفصیل آن را توضیح می‌دهد.

با افزایش تمایل لیبرال‌های آمریکایی برای براندازی «آزادی‌هایی» که ظاهراً ایالات متحده را از دولت‌های اقتدارگرا متمایز می‌کند، طنز جنگ سرد اقتدارگرایی ضد استبدادی با آن افزایش می‌یابد. همانطور که از طریق واکنش عمومی به دروغ‌های رسمی مربوط به لپ‌تاپ بدنام **هانتر بایدن** نشان داده شده است، سانسوری که «در راستای منافع عمومی» انجام شد، دقیقاً برای تضعیف یکپارچگی انتخابات 2020 به نفع دموکرات‌ها بود. یا این کار، هدف اعلام شده از تبلیغات دولتی و سانسور دروغ ثابت شد. هدف فاش شده ساکت کردن مخالفان سیاسی بوده است، نه حمایت از مردم.

فاشیسم که از لوازم ایدئولوژیک و سا زمانی خود بی بهره است، چیزی نیست جز راه حلی نهایی برای مبارزه طبقاتی، غرق شدن و استثمار توتالیستی نیروهای دموکراتیک به نفع و سود محافل مالی بالاتر - مایکل پارنتی .

این حس از طریق مطبوعات شهری و بورژوازی القا شده است که با انتخاب **جو بایدن** در سال 2020، "عادی" در ایالات متحده برقرار شد، حتی اگر **بایدن** به طور مداوم در میان مردم آمریکا از محبوبیت کمتری نسبت به **دونالد ترامپ** اهریمنی بی رحمانه برخوردار بوده است یا افشای‌های اخیر مبنی بردخالت فعال **سیا** و **اف بی آی** در انتخابات 2020 از طرف دموکرات‌ها با طرح این ادعای نادرست مبنی بر اینکه **هانتز بایدن** حاوی «اطلاعات نادرست روسیه» است، کدام حالت عادی بازگردانده شده است - اینکه **سیا** ست‌های آمریکا را اداره می‌کند؟ سوال شعاری نیست پاسخی وجود دارد. از کمیته قضایی مجلس در آوریل 2023 :

مایکل مورل، معاون سابق رئیس **سیا** در مقابل کمیته‌های اطلاعاتی و قضایی مجلس نمایندگان آمریکا شهادت داد و فاش کرد (آنتونی، وزیر خارجه کنونی **بایدن**) **بلینکن** "محرک" بیانیه عمومی امضا شده در اکتبر 2020 بود که به طور ضمنی نشان می‌داد لپ تا پ متعلق به **هانتز بایدن** اطلاعات نادرست است = A . توسط Urie برای وضوح درج شده است.

. آقای **بلینکن** به عنوان مدیر مبارزات انتخاباتی **جو بایدن** عمل می‌کرد که **مورل**، رئیس سابق **سیارا** "الهام بخشید" تا علناً محتوای لپ تا پ **هانتز بایدن** را به عنوان "اطلاعات نادرست روسی" توصیف کند. و، مبادا شما فراموش کرده باشید، بیانیه عمومی صادر شده توسط **مورل** و دیگر کلاهبرداران انتخاباتی اش توسط **سیا** فعلی مورد بررسی قرار گرفت و برای انتشار چراغ سبز نشان داد بسؤال: چرا این افراد به دلیل دخالت در انتخابات و انجام عملیات کثیف داخلی دستگیر نشده اند؟

به هر حال، وفاداری های سیاسی شما ، واداشتن **سیا** به دروغ گویی علنی به منظور افزایش شانس **جو بایدن** برای انتخاب شدن به همان اندازه ضد دموکراتیک است - کثیف، فریبنده، ناصادقانه، و فاسد است، همانطور که هر یک از اتهامات مطرح شده در مورد گرایش های "فاشیستی" هنوز مطرح شده است . سایر سیا ستمداران و احزاب مبارزه با فاشیسم با فاشیسم، فاشیسم را به عنوان تنها نتیجه ممکن باقی می‌گذارد. بنا براین طعنه آمیز است که «فاشیسم لیبرال» و «فاشیسم چپ» از آن زمان وارد فرهنگ لغت شده اند تا سرکوب سیاسی انجام شده برای مقابله با سرکوب سیاسی را نشان دهند .

بینش مرکزی **دن گورین** (در بالا) این است که تجارت بزرگ - شرکت‌های چند ملیتی و وال استریت، حامی اصلی فاشیسم است به همان شکلی که طرفدار مرکزی امپریالیسم است. این رهبران شرکت های صنعتی بزرگ در ایالات متحده بودند که از دور از ظهور

فاشیسم اروپایی حمایت کردند. تنها کودتای فاشیستی در ایالات متحده، "توطئه تجاری" 1933، توسط وال استریت در اتحاد با صنعتگران برجسته انجام شد. اگر توطئه‌گران ژنرال نادرستی را برای رهبری کودتا انتخاب نمی‌کردند - **اسمد لی باتلر**، ناقل سوسیالیست، احتمالاً موفق می‌شد.

چرا صنعتگران و سرمایه داران آمریکایی ممکن است در حال حاضر از فاشیسم حمایت کنند؟ خوب، تأمین «خصوصی» ملزومات ما نند مراقبت‌های بهداشتی، آموزش، و دفاع جمعی برای «مصرف کنندگان» این محصولات چندان خوب پیش نمی‌رود. چرا عجله برای سا نسور اینترنت؟ یک کنسرسیوم دو حزبی متشکل از مارها، مارمولک‌ها و زگیل‌های مقعدی (با عرض پوزش از مارها و مارمولک‌ها) در تحویل کالاهای عمومی با کیفیت پایین «واسطه» شده اند و به نظر می‌رسد که نا مشخص بودن نام آنها با محصولات سیاسی آنها توسط مردم مرتبط شود. در واقع، اجناس آنقدر بی‌کیفیت هستند که بزرگ‌نمایی‌ها بسیار شبیه به غارت است.

از جمله بزرگترین مشارکت کنندگان در کمپین انتخاباتی **باراک اوباما** در سال 2008، وال استریت و بیمه‌های سلامت بودند. ما کمک‌های مالی بدون عواقب برای وال استریت و چهار میلیون «مرگ اضافی» از سیستم مراقبت بهداشتی دریافت کردیم که از زمان اجرای ACA بدتر شده است. بیمه‌های سلامت از جمله بزرگترین مشارکت‌کنندگان در کمپین ریاست‌جمهوری **جو بایدن** در سال 2020 بودند، و او با وارد کردن یک تریلیون دلار دیگر، اوباماگر را دو برابر کرد. مسئولیت پذیری که مستلزم آن است که هر مادر در نیوجرسی در شیشه شیر کند (تست دارو) برای دریافت 15 دلار در ماه کمک غذایی کجاست؟

بنابراین، باز هم، پاسخ به این سوال در شکست گسترده پیمانکاران «خصوصی» در تولید کالاهای عمومی کارآمد مستلزم است. در مرحله اول، این تولید کنندگان در حال افزایش سودپاداش هستند، پس چرا باید تاکتیک را تغییر دهند؟ در مرحله دوم، «فرایند نظارتی» فدرال نشان می‌دهد که کارمندان آینده با کارمندان فعلی شرکت‌های «درهای گردان» مذاکره می‌کنند. چه انگیزه‌ای برای هم‌زدن دیگر دارند؟ در مورد سوم، هیچ حزب سیاسی غیرفاسدی در ایالات متحده وجود ندارد که با دو حزب آشکارا فاسد کنونی رقابت کند. با رأی دادن به عنوان تنها شیوه «مشروع» تغییر سیاست، چه انتخابی وجود دارد؟

آشنای نظارتی من که در بالا ذکر شد یک لیبرال دموکرات متعهد است. برداشت آنها از پروژه اقتصادی نئولیبرالی که درگیر آن بودند («عقلانی کردن» مخارج دفاعی با شرایط مطلوب برای سرمایه) این است که «لیبرال» بود زیرا مخارج دولت را نشان می‌داد. در واقع، زمانی که ایتالیا فاشیست و آلمان فاشیست هزینه‌های جنگ را در انتظار

جنگ جهانی دوم تجهیز کردند، همین ادعا را می‌توان مطرح کرد. در حالی که من مخالف این نیستم که این هزینه‌ها می‌تواند «لیبرال» در نظر گرفته شود، تعداد کمی از لیبرال‌های آمریکایی که برای فکر کردن در مورد آن وقت صرف کرده‌اند، احتمالاً موافق هستند.

کتاب «فاشیسم و تجارت بزرگ» **دانیل گورین** (پیوند بالا) باید در مدارس دولتی ایالات متحده خوانده شود. این که آنها نشان نمی‌دهند که چرا مدارس منشور سودجو، ایده بدی هستند. انگیزه سرمایه داران متعهد چیست تا با آموزش تئوری سیاسی که منافع تجاری آنها را تهدید می‌کند، سود خود را به خطر بیندازند؟ تازه لامپ خاموش شد؟ «سرمایه داری» از نظر ایدئولوژیک بی طرف تر از هر نظام اقتصادی دیگری نیست. اینکه لیبرال‌های آمریکایی نمی‌توانند بین باورهای خود و منطق فاشیستی قرن بیستم تفاوت قائل شوند، باید گویای آن باشد.

چند سطر در مورد نویسنده این مقاله :

راب اوری هنرمند و اقتصاددان سیاسی است. کتاب اقتصاد دن (Zen) او توسط انتشارات CounterPunch Books منتشر شده است.

----- **با تقدیم احترامات «2023-08-17»**

